

# تحلیل نقش شرکت نفتی بی بی در دگرگونی معماری و سبک زندگی در ایران<sup>۱</sup>

کیان دهقان<sup>۲</sup>

حمیدرضا انصاری<sup>۳</sup>

استادیار دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

دریافت: ۲۷ بهمن ۱۳۹۹  
پذیرش: ۴ اردیبهشت ۱۴۰۰  
(صفحه ۱۶ - ۵)

کلیدواژگان: دگرگونی معماری، سبک زندگی، کمپانی بی بی، شهرهای نفتی، مدرنیزاسیون.

## چکیده

سبک زندگی ایرانی و مظهر آن معماری ایرانی طی هزاران سال تکامل یافته ولی از اواخر دوره قاجار به طور بنیادین دگرگون می شود. گرچه عوامل متعددی در این دگرگونی نقش داشتند اما بی شک یکی از مهم ترین عوامل فعالیت شرکت بی بی (مرئی ترین جلوه حضور امپراتوری بریتانیا در ایران) در مناطق نفت خیز جنوب بود. بی بی با مشاوره شرکت های معماری بریتانیایی مانند ویلسون ماسون، که پیش تر سابقه فعالیت در شهرهای استعماری همچون دهلی نو را داشتند، شرکت - شهرهایی شبه استعماری در ایران پدید آورد که هیچ ارتباطی با بافت فرهنگی خود نداشتند. همچنین، این اولین تجربه معماری کوی های مسکونی مدرن و زندگی شهری با الگوی غربی در ایران بود. در این پژوهش، با بهره گیری از راهبرد تفسیری - تاریخی و به شیوه پژوهش اسنادی، نقش صنعت نفت و در رأس آن کمپانی بی بی، به منظور پاسخ به چپستی و چگونگی دگرگونی معماری و سبک زندگی ایرانی، مطالعه می شود. در این تحقیق مشخص می شود که فعالیت کمپانی بی بی در سه پرده، زمینه ساز دگرگونی، ابتدا در شهرهای نفت خیز و سپس پایتخت و دیگر شهرها می شود. در پرده اول با تبعیض شدید در امکانات رفاهی

کارکنان اروپایی و ایرانی، که نوعی تمایز تغییر در میان ایرانی ها ایجاد می کند. در پرده دوم، از ۱۳۰۳ ش کمپانی اقدام به مدرنیزاسیون گسترده شهرهای نفتی می کند. در پرده سوم، معماری و شیوه زندگی مدرن در شهرهایی همچون آبادان و مسجدسلیمان در دیگر شهرها تقلید می شود؛ تقلیدی که ناشی از تبلیغات فراوان است.

## مقدمه

اکتشاف نفت در مسجدسلیمان نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران محسوب می شود؛ چراکه تحولات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی بی شماری را با خود به همراه داشته است. هرچند در موضوع اثرات صنعت نفت بر تحولات اقتصادی - سیاسی ایران بسیار نوشته اند، اما در کمتر پژوهشی این تأثیرات در زمینه دگرگونی های فرهنگی و اجتماعی بررسی شده است. حضور گسترده خارجی ها با هدف بهره برداری از نفت ایران و به دنبال آن ساخت مجموعه های

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول است با عنوان معماری و سبک زندگی: دگرگونی معماری فضای مسکونی در اثر تحولات سبک زندگی معاصر که در دانشکده معماری دانشگاه تهران به راهنمایی نگارنده دوم و آقای دکتر مهدی حجت در ۱۹ مهر ۱۴۰۰ دفاع شده است.

۲. نویسنده مسئول، دکتری معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

D.Deaghan@ut.ac.ir

3. hransari@ut.ac.ir

### پرسش‌های تحقیق

– اقدامات کمپانی نفتی «بی‌بی» بین سال‌های ۱۲۸۷ تا ۱۳۳۰ ش چگونه زمینه‌ساز دگرگونی معماری و سبک زندگی ایرانی می‌شود؟

۴. به طور تاریخی این شرکت در ایران با عنوان «کمپانی نفت ایران و انگلیس» شناخته می‌شود. اما به نظر می‌رسد آوردن نام ایران در اسم شرکت تنها پوششی بود بر سیاست‌های استعمار طلبانه؛ چراکه در همان دوران فعالیت در ایران نیز محصولات این شرکت با نام تجاری BP بسته‌بندی و صادر می‌شد. این شرکت از زمان تأسیس در سال ۱۹۰۹ تا کنون چهار مرتبه نام خود را تغییر داده است. در سراسر این پژوهش، به جای «شرکت نفت ایران و انگلیس» و نام‌های دیگر، از عنوان «بی‌بی» استفاده می‌شود.

5. M. Crinson, "Abadan: Planning and Architecture under the Anglo-Iranian Oil Company", p. 346.

۶. برای مطالعه درباره شهرهای استعماری نک:

A.D. King, *Colonial Urban Development: Culture, Social Power and Environment*.

۷. محمد جعفری قنوازی، «نفت و بازتاب آن در داستان‌نویسان خوزستانی»، ص ۱۲۹.

۸. پولین لاواین دورتینگ، «شهرک‌های شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان»، مطالعه‌ای درباره تاریخ شهرک نشینی ۱۹۰۸-۱۹۵۱، ص ۲۰۱.

۹. نک:

R.W. Ferrier, *The History of British Petroleum Company*, Vol. 1.

۱۰. تنها در عرض چهار سال، در کنار همه مراکز صنعت نفت، شرکت شهرهای مدرن پایه‌گذاری می‌شوند.

صنعتی، مسکونی، و خدماتی مدرن تأثیر عمده‌ای بر هویت فرهنگی-اجتماعی مردم محلی می‌گذاشت. با گسترش فعالیت‌های شرکت بی‌بی<sup>۴</sup> و ایجاد شهرهای شرکتی مدرن، جوامع چندفرهنگی کوچکی در جنوب غرب ایران ایجاد شد که بیشتر از دولت مرکزی یا محلی، تحت حکمرانی کمپانی بود.<sup>۵</sup> گرچه نمی‌توان این شهرها را مستعمره خواند، وضعیت آن‌ها به لحاظ تحولات فرهنگی-اجتماعی بی‌شبهت به تحولات صورت گرفته در شهرهای استعماری نبود.<sup>۶</sup> پیش‌تر در جامعه عشیره‌ای ارزش‌های فردی در سایه ارزش‌های جمعی معنا می‌یافت و بیشتر از آنکه فرد (من) اهمیت داشته باشد، قبیله (ما) مورد توجه بود،<sup>۷</sup> در تضاد با این الگوی سنتی، در شرایط جدید بر ارزش‌های فردی تأکید می‌شد. جامعه‌ای که پیش از این، بر مبنای سلسله‌مراتبی قبیله‌ای طی هزاران سال قوام یافته بود، حالا تبدیل به جامعه‌ای التقاطی شده بود که در آن همه نگاه‌ها به سمت الگوهای خارجی است. در این الگو خانواده گسترده جای خود را به خانواده هسته‌ای، طایفه و خان و رعیت جای خود را به اداره، و مدیر و کارمند و بزرگ‌تر و کوچک‌تر جای خود را به کارمند ارشد و کارمند رده پایین داد. ارتباط روزافزون دیگر شهرهای ایران با خوزستان به لحاظ اقتصادی، و از آن مهم‌تر، ساخت فیلم‌های تبلیغاتی و گزارش‌های نشریات همراه با تعریف و تمجید از شرکت-شهرهای نفتی زمینه اثرگذاری این تحولات بر دیگر شهرها را نیز فراهم می‌کرد.

در این تحقیق تلاش می‌شود ابتدا جنبه شبه استعماری شهرسازی شرکت بی‌بی در شهرهای نفتی روشن گردد و سپس فرایند مدرنیزاسیون شهرهایی همچون آبادان و مسجدسلیمان، به‌منزله اولین شرکت-شهرهای مدرن ایران تبیین شود. در نهایت با جستجو در آرشیو فیلم‌ها و مطبوعات در بازه زمانی از اکتشاف نفت تا ملی شدن صنعت نفت اثر تبلیغاتی تحولات شهرهای نفتی بر کل جامعه ایران بررسی می‌شود.

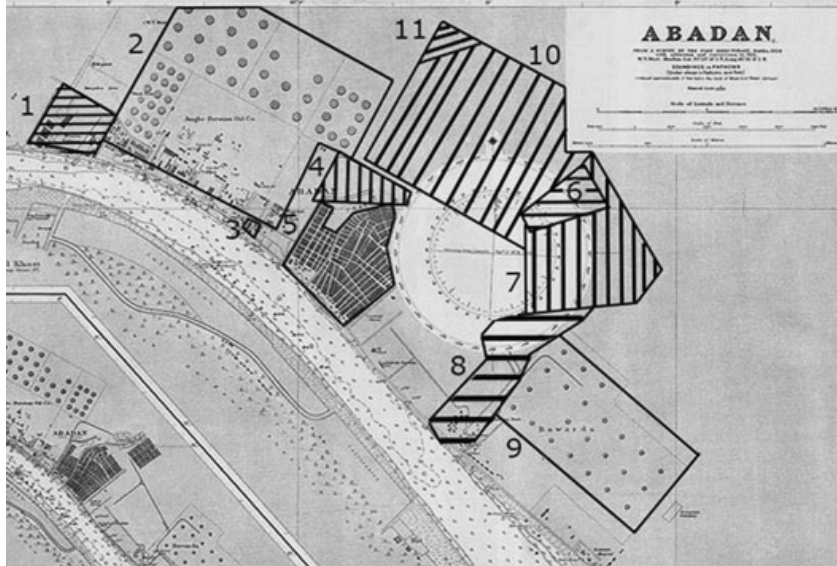
### ۱. در سایه سنت استعمار مدرن

در اواخر دوران قاجار آبادان و مسجدسلیمان مرکز تحولاتی شدند که چهره خوزستان را دگرگون کرد. پس از اکتشاف نفت در سال ۱۲۸۷ش و به دنبال آن تشکیل شرکت نفت ایران و انگلیس (بخوانید بی‌بی در ایران)، عملیات عمرانی در کنار چاه‌های نفت، همچون مسجدسلیمان و حداقل هفت شهر نفت‌خیز

11. Wilson Mason & Partners  
12. R. Alissa, "Building for Oil: Corporate Colonialism, Nationalism and Urban Modernity in Ahmadi, 1946-1992", p. 48.  
13. Ibid.

ت ۱. نقشه آبادان در سال ۱۳۰۵ ش  
و مرزبندی طبقاتی میان بخش‌های  
مختلف شهر: ۱. محله بریم  
۲. پالایشگاه ۳. مسجد رنگونی‌ها  
۴. کوچه هندی‌ها ۵. بافت قدیمی  
شهر ۶. محله هندی‌ها ۷. محله  
احمدآباد ۸. محله بوآرده ۹. کفیشه،  
مأخذ:

T. Atabaki, *Working for Oil*,  
P. 206.



محلی، و پنجم مکانی غیررسمی و در حاشیه برای سکونت افرادی که شایستگی قرار گرفتن در مناطق دیگر را ندارند.<sup>۱۵</sup>  
طبقه‌بندی در شهرهای مدرن امری بدیهی به نظر می‌رسد، اما باید توجه کرد که در شهرهای استعماری اولاً هدف از طبقه‌بندی ایجاد یک کل یکپارچه تحت حاکمیت ملی نیست، بلکه طرح‌ریزی برای فراهم کردن زمینه چیرگی و تسلط بیشتر بر مستعمره و غارت آن و بهره‌کشی بیشتر از آن مورد نظر است. ثانیاً در این مدل‌ها مرزبندی بین بخش‌های مختلف شهر و تفکیک طبقاتی بسیار پررنگ می‌شود.  
ایران هرگز به‌طور رسمی تحت استعمار هیچ کشوری نبوده است و اساساً کمپانی بی‌بی یک بنگاه اقتصادی خصوصی به‌شمار می‌رفت، اما با خرید عمده سهام این شرکت از سوی دولت بریتانیا در سال ۱۲۹۵ ش/ ۱۹۱۶ م و در نظر گرفتن جنبه‌های استراتژیک منطقه به لحاظ سیاسی-اقتصادی، نمی‌توان شباهت‌های زیاد عملکرد خارجی‌ها در خوزستان را با عملکرد آن‌ها در کشورهای مستعمره بریتانیا نادیده گرفت. به‌طور نمونه، در آبادان محلات شهر به سه بخش اصلی تقسیم می‌شد:

دیگر مانند گچساران، هفتکل، و آغاچاری شروع شد. همچنین، ساخت اولین پالایشگاه خاورمیانه در آبادان کلید خورد؛ پالایشگاهی که، علاوه بر متخصصان، به کارگران فراوان نیاز داشت. این کارگران به‌زودی نه‌فقط از بخش‌های مختلف ایران، بلکه از کشورهای حوزه خلیج فارس، هندوستان، و حتی آفریقا به این شهر مهاجرت کردند. این رشد سریع به‌گونه‌ای بود که در سال ۱۳۲۲ ش آبادان با جمعیت حدوداً ۱۲۰ هزار نفری خود، از یک روستای کوچک با جمعیت کوچ‌نشین به پنجمین شهر بزرگ ایران و حتی شهری بزرگ‌تر از شیراز تبدیل شده بود؛ جامعه‌ای که در آن عناصر و ساخت‌وسازهای صنعتی و مدرن کاملاً با زمینه و بافت سنتی منطقه غریبه و در تضاد بود.<sup>۱۶</sup>

شرکت بی‌بی برای اسکان نیروی کار متخصص و همچنین آموزش و پرورش آن‌ها، شرکت-شهرهای مدرنی را در کنار مراکز صنعتی خود احداث می‌کند.<sup>۱۷</sup> الگوی سازمان‌دهی چنین شرکت-شهرهایی ابداعی نبود و همان الگوی شهرسازی شرکت بریتانیایی ویلسون ماسون<sup>۱۸</sup> در دهلی نو در اوایل قرن بیستم بود.<sup>۱۹</sup> در چنین الگویی شهر به چند بخش یا طبقه تقسیم و مرزبندی محکمی میان این بخش‌های مختلف در نظر گرفته می‌شود. این نظام طبقاتی نه‌فقط در مناطق مختلف خوزستان، بلکه حتی در دیگر شهرهای نفت‌خیز خاورمیانه همچون شهر احمدی در کویت نیز در حال تکرار بود.<sup>۲۰</sup>

همان‌طور که اشاره شد، الگوی شهرک‌سازی در خوزستان پیش‌تر در دهلی نو آزمایش شده بود.<sup>۲۱</sup> مورخ معماری، انشی کینگ، درباره نقشه شهر دهلی نو چنین بیان می‌کند که هر بخش از شبکه شش‌ضلعی مختص یک طبقه شغلی یا نژادی خاص بود. او در کتاب توسعه شهر استعماری: فرهنگ، قدرت اجتماعی و محیط درباره این منطقه‌بندی در دهلی می‌نویسد:

پنج نوع منطقه ایجاد شده بود: اول از همه [منطقه] نمایندگان دولتی که عمدتاً اروپایی هستند، دوم برای کارمندان اروپایی، سوم برای کارمندان بومی و رده پایین، چهارم برای نخبگان و اشراف

جداسازی و طبقه‌بندی‌هایی برای حرکت به سوی یک جامعه صنعتی و نظام سرمایه‌داری امری حیاتی است.<sup>۱۸</sup>

## ۲. بنگله‌ها در مقابل کاغذآبادها (ایجاد تمناي تغییر)

اولین مجموعه مسکونی برای «کارمندان رده بالا»ی شرکت نفت که همه آن‌ها بریتانیایی و امریکایی بودند، حدوداً در سال ۱۲۹۱ش در محله بریم<sup>۱۹</sup> آبادان ساخته شد. به نظر می‌رسد گروه معماری ویلسون ماسون در طراحی مجموعه بریم از ایده «باغشهر» ابنزر هوارد (که در سال ۱۸۹۸م بیان شده بود) الهام گرفته باشد. در دهه ۱۹۳۰ الگوی باغشهر یک الگوی جهانی محسوب می‌شد و در بسیاری از کشورها در حال اجرا بود؛ اما در شهرهای خوزستان، مانند بسیاری از شهرهای استعماری، استفاده از الگوی باغشهر تنها معطوف به منطقه‌ای تفکیک‌شده برای اسکان بریتانیایی‌ها و امریکایی‌ها می‌شد. باید توجه کرد که پیاده‌سازی بخش‌هایی از الگوی باغشهر در شهرهای

بخش اول (شامل محلاتی همچون بریم و بوآرده) با کیفیت بالا برای اسکان کارمندان انگلیسی و امریکایی، بخش دوم با کیفیت متوسط (همچون محله هندی‌ها) برای کارمندان رده میانه شامل دبیران و نیروهای انتظامی که عمدتاً از هندوستان آمده بودند، و در نهایت بخش سوم (مانند محله احمدآباد) در حاشیه و نازل‌تر از همه ویژه کارگران بومی (ت ۱).

حداقل تا پیش از به قدرت رسیدن رضاشاه، از نظر شرکت نفت همه مناطق نفت‌خیز، تأسیسات، و ساختمان‌های ساخته‌شده در آن‌ها امکاناتی صنعتی در دل سرزمین «بومی» نبود، بلکه آن را قلمرویی اختصاصی برای خود می‌پنداشت که می‌تواند کاملاً از زمینه تفکیک شود.<sup>۱۶</sup> این تفکیک در ابتدا به گونه‌ای بود که کمپانی برای اینکه با شهر و مردم محلی تماس نداشته باشد، بین مؤسسات خود و شهر کانالی حفر می‌کرد و عبور از آن تنها برای افرادی که عضو شرکت بودند میسر می‌شد.<sup>۱۷</sup> آن‌ها به روشنی استدلال می‌کردند که چنین

ت ۲ (راست). یک تیپ از بنگله‌های دو طبقه در محله بوآرده آبادان. مأخذ:

Mark Crinson, "Abadan: planning and architecture under the Anglo- Iranian Oil Company", P. 350.

ت ۳ (چپ). تصویر هوایی از یک بنگله از مجموعه بنگله‌های ساخته‌شده در شهر آغاچاری. منبع: اسناد موزه ملی نفت.



۱۴. در دوران استعمار بسیاری از طرح‌های شهرسازی که جنبه نوآورانه و ابداعی داشتند غالباً ابتدا در کشورهای مستعمره پیاده‌سازی و آزمایش می‌شدند تا کاستی‌ها و ایرادات آن را شناسایی کنند و برای ساخت در غرب نسخه‌ای آزموده‌شده داشته باشند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک:

G. Wright, *The Politics of Design in French Colonial Urbanism*.

ت ۴. مسکن و شرایط زندگی کارگران ایرانی شرکت نفت در محلات معروف به «کاغذآباد» در کنار باغشهرهای خارجی‌ها در شهرهای نفتی. مأخذ: اسناد موزه ملی نفت.



در نتیجه، انبوه ایرانیان جویای کار مجبور بودند با بدترین شرایط در کلبه‌های گلی و حصیری در کنار پالایشگاه سکونت کنند (ت ۴)؛ درحالی‌که حتی کارگران هندی و پاکستانی هم مسکن مناسب در اختیار داشتند. در واقع فقدان اعتراض از سوی حکومت قاجار سبب ادامه بی‌دغدغه این رویه شرکت بود.<sup>۲۴</sup>

به کارگران ایرانی، علاوه بر کارمندان ارشد، حتی از سوی کارمندان و کارگران هندی و پاکستانی نیز ظلم می‌شد، افرادی که در راه شرکت نفت شغل اجدادی خود را کنار گذاشتند اما حالا به‌جز حمل لوله‌های سنگین در گرمای طاقت‌فرسا و خانه‌های گلی و حصیری خودساخته چیز دیگری نصیبشان نشده بود.<sup>۲۷</sup> کتاب *خاطرات دوران سپری‌شده* شرح مختصر و مفیدی از زندگینامه یک کارگر مهاجر به نام یوسف افتخاری را به دست می‌دهد. در بخشی از این کتاب آمده است:

در آبادان انگلیسی‌ها محله خاص خود را داشتند و هیچ‌کس را به آن راه نمی‌دادند. حتی اگر یکی از انگلیسی‌های مقیم آبادان با یک زن ایرانی ازدواج می‌کرد او را نیز از آنجا رد می‌کردند. اسم

استعماری با ماهیت اندیشه‌های ابنزر هوارد در ایجاد برابری اجتماعی در تضاد کامل است.<sup>۲۰</sup> به تعبیر هوم:

تضاد فلسفی عمده‌ای در بین ایدئال باغشهر، یعنی زندگی مشترک کارآمد و هماهنگ، با اصول تفکیک و سلطه، که استعمار بر آن متکی بود، وجود داشت. [چراکه] شکل فیزیکی شهرهای استعماری شامل نابرابری و تفکیک بر اساس نژاد و طبقه بود.<sup>۲۱</sup> در شهرهای استعماری، همچون دهلی نو، «بنگله» اساساً نوع اصلی مسکن بود.<sup>۲۲</sup> شکل اولیه این نوع خانه‌ها از دهه ۱۸۹۰ (با الهام از کلبه کشاورزان در مناطق روستایی بنگلادش) وارد انگلستان شد و در حومه شهر به‌صورت کلبه‌های روستایی ارزان‌قیمت از آن استقبال شد.<sup>۲۳</sup> بنگله در انگلستان کم‌کم تکامل یافت و سپس مدلی شد برای خانه‌سازی در شهرهای استعماری. در مناطق استعماری رعیت‌ها که بر روی زمین‌های کشاورزی کار می‌کردند در کلبه‌های محقرانه گلی و در عوض مدیران دولت استعمارگر در بنگله‌های مجلل زندگی می‌کردند.<sup>۲۴</sup> در شهرهای نفتی ایران نیز تقریباً همه خانه‌های کارمندان غربی به سبک بنگله ساخته شد. در این بنگله‌ها حیاط بزرگی در جلو و یک حیاط کوچک در پشت ساختمان قرار داشت، و بهترین نوع آن، در اصطلاح، بنگله دوپلکس بود که در آن پذیرایی در همکف و اتاق‌های خواب همراه با سرویس‌های بهداشتی در طبقه بالا قرار می‌گرفت (ت ۲). برخلاف بافت منطقه که اطراف حیاط را برای ایجاد حریمیت و سایه‌اندازی با دیوارهای بلند پوشش می‌دادند، در اینجا صرفاً باغچه‌ها بودند که مرز حیاط هر خانه را از خانه همسایه جدا می‌کردند (ت ۳). حداقل تا شروع دوران پهلوی، درست در کنار این باغشهرهای کوچک، کارگران ایرانی با بدترین شرایط در کاغذآبادها زندگی می‌کردند. درست

در همان زمان که یک خانواده اروپایی در محله بریم در ویلایی چهارخوابه زندگی می‌کرد، چهار خانواده از کارگران ایرانی شرکت مجبور به زندگی در یک اتاق بودند.<sup>۲۵</sup>

### ۳. مدرنیزاسیون شهری و دگرگونی معماری و سبک زندگی

از سال ۱۳۰۳ش با تبعید شیخ خزعل به تهران و کوتاه شدن دست خوانین در امور شهرهای خوزستان، ادارات دولتی به تدریج قدرت گرفتند. از این دوره به بعد کارگران ایرانی، با دلگرمی نسبت به حمایت حکومت مرکزی، زبان اعتراض گشودند و دیگر حاضر نبودند ظلم و تبعیض شرکت نفت را تحمل کنند.<sup>۲۹</sup> حکومت مرکزی نیز که داعیه ملی‌گرایی در سر داشت از جفای اجنبی‌ها در حق مردم محلی ناخشنود بود؛ تا حدی که بعد از سفر رضاشاه به خوزستان، علی‌رغم انتظار و تدارک شرکت، او بازدید از تأسیسات نفتی را در برنامه خود قرار نداد.<sup>۳۰</sup>

لازم به ذکر است که انگلوساکسون‌ها نیز با مدرنیزاسیون گسترده شهری مخالف نبودند و کم‌کاری آن‌ها در آغاز صرفاً به منظور ایجاد اشتیاق در جامعه محلی برای تغییر و همچنین تأمین منابع و بودجه ساخت‌وسازهای جدید از طرف حکومت مرکزی ایران در قراردادهای آتی بود.<sup>۳۱</sup> به‌هرحال، تولید صنعتی و نظام سرمایه‌داری نیازمند انسان‌هایی است که با روح دوران مدرن هماهنگ شده و سبک زندگی آن‌ها متناسب با زمان جدید تغییر کرده باشد و این مهم صرفاً به شناخت نحوه کارکردن با ماشین‌آلات صنعتی محدود نخواهد شد. تقسیم کار هماهنگ و درعین‌حال پیچیده زندگی مدرن بدون بازتعریف «زمان»، استانداردسازی، و نظام طبقه‌بندی اجتماعی امکان‌پذیر نیست. از ثانیه‌شمار چراغ‌های راهنمایی و رانندگی گرفته تا ساعت استاندارد گرینویچ و جدول زمانی حرکت قطار و اتوبوس‌های شهری همه و همه نیازمند پذیرش استاندارد خاص زندگی از سوی همه افراد جامعه است.<sup>۳۲</sup> به تعبیر جامعه‌شناس آلمانی، گئورگ زیمل، اگر همه ساعت‌ها در شهر صنعتی فقط برای چند دقیقه قطع شوند، تمدن صنعتی سقوط خواهد کرد.<sup>۳۳</sup> در جامعه سنتی همچون خوزستان روح زندگی منبعث از طبیعت،

محلّه انگلیسی‌ها بریم بود. واقعاً در وسط آن جزیره یک بهشتی برای آن‌ها ساخته شده بود که همه چیز داشت. محل شنا، باشگاه و خانه‌های عالی و مجهز داشتند و راحت بودند، کسی هم حق ورود به آنجا را نداشت. محلّه دیگری بود به نام بوآرده، این محلّه عرب‌نشین بود اما انگلیسی‌ها تلاش می‌کردند آن را از چنگ اعراب در بیاورند. اکثر خانه‌های اعراب از حصیر و بوریا ساخته شده بود و انگلیسی‌ها بارها آن‌ها را آتش زدند و اجازه ساخت مجدد نمی‌دادند. [در سوی دیگر] احمدآباد کثیف‌ترین محلّه‌ای بود که در عمرم دیده بودم حتی توالی هم نداشت و مردم بر لب آب می‌نشستند. غالباً بیماری‌ها از آنجا شروع می‌شد. وضع کارگران بسیار بد بود.<sup>۲۸</sup>

بنابراین ساخت شهرک‌های مدرن بهشت‌گونه برای کارمندان غربی شرکت نفت در میان بافت سنتی مناطق خوزستان و همچنین مهاجرت انبوه کارگران ایرانی به این مناطق و سکونت در جهنم‌هایی به نام کاغذآباد و حلبی‌آباد سبب ایجاد نوعی اجبار، تمنا، و اشتیاق فراوان در میان جامعه محلی (و هم بعدها در میان سران حکومت) برای مدرنیزاسیون شهری با الگوی غربی شد.



15. King, *ibid*, p. 206.

۱۶. دورتینگ، همان، ص ۲۰۴.

۱۷. مصطفی فاتح، ۵۰ سال نفت ایران، ص ۴۲۸.

۱۸. دورتینگ، همان، ص ۲۰۲.

۱۹. به نظر می‌رسد نام اصلی آن محلّه ابوابراهیم بوده که انگلیسی‌ها به علت سختی تلفظ به آن بریم می‌گفتند.

۲۰. این الگوی شهرسازی زمانی بیان شد که کارگران کم‌درآمد در ارتباط بین محل کار و مکان سکونت خود با مشکل مواجه شده بودند. کارگران می‌توانستند در خانه‌های بی‌کیفیت در مرکز شهر یا خانه‌های باکیفیت مطلوب و آب‌وهوای پاک در حومه شهر سکونت کنند. اما سکونت در حومه شهر، به علت ←

ت ۵. منازل کارگری شرکت نفت در منطقه بهمنشیر آبادان. مأخذ: اسناد موزه ملی نفت.

هزینه‌های بالای حمل‌ونقل برای این قشر عملاً ممکن نبود. در نتیجه هوارد برای رفع این مشکل «باغشهر» را طرح کرد. برای مطالعه بیشتر نک:

ت ۶ (راست). دانشکده فنی نفت که در سال ۱۳۱۸ش توسط شرکت بی‌بی در آبادان ساخته شد. مأخذ: Mark Crinson, "Abadan: planning and architecture under the Anglo-Iranian Oil Company", P. 355.

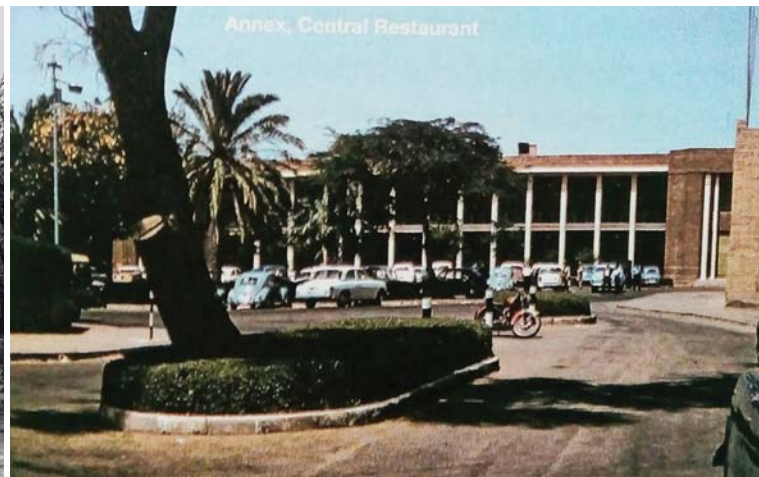
ت ۷ (چپ). نمایی از در ورودی رستوران آنکس در آبادان که علاوه بر رستوران دارای کتابخانه، سالن بلیارد، و محل گردهمایی بود. مأخذ: ولی‌زاده، انگلو و بنگلو در آبادان: خاطرات هفتادساله پسرک فرمانبر، ص ۲۶۶.

شرکت نفت محسوب می‌شدند. تخمین زده شده که در اواخر دهه ۱۳۲۰ش ۱۳۳ هزار نفر از ۱۷۳ هزار نفر جمعیت آبادان از کارکنان شرکت نفت بودند.<sup>۳۷</sup> در ظاهر اداره شهر تحت حاکمیت شهرداری بود، اما در اواخر دهه ۱۳۲۰ش بیش از یک‌سوم جمعیت آبادان در مناطق مسکونی زندگی می‌کردند که شرکت نفت ساخته بود و اداره می‌کرد. ۷۰ هزار نفر در پنج مجموعه مسکونی (بهمنشیر، جمشید، فرح‌آباد، بهار، و پیروز)، ۱۰ هزار نفر در بوآرده، و ۶ هزار نفر در بریم سکونت داشتند.<sup>۳۸</sup> به لحاظ اجتماعی و فرهنگی، ساخت مسکن مدرن در قلب یک جامعه سنتی دخالتی سنجیده در فضای سکونت خانواده با هدف مدرنیزه کردن این نهاد بنیادی محسوب می‌شود. طراحی معماری مسکونی با رویکرد جبرگرایانه در آبادان و مسجدسلیمان مانع اسکان خانواده‌های گسترده، یعنی واحد اصلی زندگی اجتماعی در منطقه، می‌شد. همچنین در این خانه‌ها استفاده از فضای داخلی برای فعالیت‌های تولیدی، همچون نگهداری دام و تولید گوشت و لبنیات و سبزیجات، مجاز نبود. در خانه‌های کوچک حتی برای صنایع دستی سنتی مانند گلیم‌بافی نیز فضای کافی فراهم نمی‌شد. همه

کشاورزی، و دامداری بود. «زمان» برای این افراد بر اساس تغییر فصول و طلوع و غروب خورشید معنا می‌یافت. اما معنای زمان در تولید صنعتی دیگر وابسته به تغییرات طبیعی نیست و بیلاق و قشلاق ندارد و هر یک دقیقه با دقیقه دیگر ارزش یکسان دارد. بنابراین می‌توان استدلال کرد که تغییر مفهوم زمان و پیاده‌سازی نظام مدرن در خوزستان از دغدغه‌های اصلی شرکت نفت بود.<sup>۳۹</sup>

از اواسط دوره پهلوی اول ساخت مسکن برای کارگران ایرانی شرکت سرعت می‌گیرد، به گونه‌ای که از سال ۱۳۱۳ش تنها در عرض پنج سال ۴۵۰۰ واحد مسکونی ساخته می‌شود<sup>۳۵</sup> و به این ترتیب اولین مجموعه‌های مسکونی با الگوی مدرن به کارگران ایرانی عرضه می‌شود. در آبادان برای کارگران روزمزد در مناطقی همچون احمدآباد و برای کارمندان و کارگران ماهر خانه‌های مجهزتر در مناطقی همچون بهمنشیر، فرح‌آباد، بهار، پیروز، و جمشید ساخته و بر اساس «گرید» افراد با آب لوله‌کشی و برق مجانی و دوش حمام و دیگر تجهیزات مدرن واگذار می‌شد<sup>۳۶</sup> (ت ۵).

در این دوران اکثریت جمعیت آبادان به‌نوعی از کارکنان



Ebenezer Howard, *Garden Cities of To-Morrow*.  
 21. R.K. Home, "Town Planning and Garden Cities in the British Colonial Empire 1910-1940", p. 32.  
 ۲۲. کاوه رستم‌پور، تبیین نقش تعامل مسکن و ویژگی‌های منطقه‌ای در هویت بخشی معماری مسکونی؛ نمونه موردی: مناطق نفت‌خیز، ص ۸۶.  
 23. Anthony D. King, *Urbanism, Colonialism, and the World-economy: Cultural and Spatial Foundations of the World Urban System*, p. 18.  
 24. Ibid.  
 25. I.J. Seccombe, *Work Camps and Company Towns: Settlement Patterns and the Gulf Oil Industry*, p. 55.  
 ۲۶. فاتح، همان.  
 ۲۷. کاوه بیات، «در کنار یا بر کنار از کارگران ایران»، ص ۷۸.  
 ۲۸. کاوه بیات و مجید تفرشی، *خاطرات دوران سپری‌شده (خاطرات و اسناد یوسف افتخاری)*، ص ۲۲.  
 ۲۹. فاتح، همان.  
 ۳۰. بیات، همان، ص ۷۴.  
 ۳۱. بعد از لغو قرارداد داری و انعقاد امتیازنامه جدید در سال ۱۳۱۲ش، در ماده هفدهم این امتیازنامه به موضوع مخارج مدرنیزاسیون شهری اشاره شده است. نک: ابوالفضل لسانی، *طلای سیاه یا بلای ایران*، ص ۲۲۳.  
 ۳۲. نک: کارل مارکس، *سرمایه*، ج اول، ص ۱۴۴-۱۶۰.  
 ۳۳. نک: گئورگ زیمل، *گئورگ زیمل (گزیده مقالات با مقدمه زیگفرد کراکاور)*.

این فعالیت‌ها، با وجود درآمد کم، برای تبدیل خانواده به یک واحد تولیدی در جامعه بسیار مهم و مؤثر بود. همچنین احساس اتکا به خود و استقلال اقتصادی را برای آن‌ها فراهم می‌کرد. به‌طور کلی، بر اساس این معماری داخلی جدید خانواده هسته‌ای به‌مثابه الگوی مورد قبول تعریف می‌شود و نقش‌های جنسیتی در خانواده و همچنین بین نسل‌های مختلف تغییر می‌کند. به‌طور معمول، تنها نسل دیگری که می‌توانست در این خانه‌ها زندگی کند، کودکانی بودند که به‌جای مشارکت در فعالیت‌های تولیدی جمعی خانوار، حالا به مدرسه فرستاده می‌شدند تا پس از چندین سال آموزش، جانشین والدین خود در خانه، کارگاه، پالایشگاه، و میدان‌های نفتی شوند.<sup>۳۶</sup>

#### ۴.۱. فیلم و سینما

انگلیسی‌ها از همان روزهای اول اسکان خود سینما را به ایران آوردند. حمید نفیسی اشاره می‌کند که شرکت نفت اولین نمایش فیلم برای کارمندان محلی را در سال ۱۳۰۴ش در حالی کلید زد که در شعبه اصلی خود در لندن تا مدت‌ها بعد برنامه‌ای برای نمایش فیلم نداشت.<sup>۴۱</sup> در نتیجه در شهرهایی همچون آبادان و مسجدسلیمان خیلی زود سینما به یکی از ابزارهای مهم سرگرمی عمومی تبدیل گشت.

از زمان اکتشاف نفت تا دهه ۱۹۵۰ مشتری اصلی استودیوهای فیلم‌سازی کمپانی‌های بزرگ نفتی همچون بی‌پی و شل<sup>۴۲</sup> بودند؛ چراکه فناوری سینما ابزاری ایدئال برای ایجاد ارتباطات عمومی با هدف اصلاح نگرش مردم نسبت به فعالیت این شرکت‌ها در خاورمیانه و دیگر مناطق نفت‌خیز جهان محسوب می‌شد.<sup>۴۳</sup> در ایران شرکت نفت بی‌پی اولین فیلم خود را با عنوان *عملیات نفتی انگلیسی-ایرانی در ایران*<sup>۴۴</sup> در سال ۱۹۲۱ ساخت و تا سال ۱۹۳۸ چندین بار ویرایش شد.<sup>۴۵</sup> در کنار این فیلم که تصویری حماسی از مدرنیزاسیون غربی عرضه می‌کرد، فیلم *صامت دیگری با عنوان علف: نبرد یک ملت برای زندگی*<sup>۴۶</sup> توسط کارگردان آمریکایی مریان کوپر<sup>۴۷</sup> در سال ۱۹۲۵ روی پرده سینماها رفت که به صورت اغراق‌شده‌ای<sup>۴۸</sup> زندگی سنتی مردم خوزستان را عقب‌مانده و فلاکت‌بار نشان می‌داد. نکته مشترک در این دو فیلم نشان دادن مردم خوزستان به‌صورت بربرهایی بدون تمدن بود، رویکردی که قبلاً در آثار غربی‌های شرق‌شناس به‌تکرار از آن استفاده می‌شد.<sup>۴۹</sup>

اغراق فیلم‌های شرکت نفت در نمایش و تحسین از مدرنیزاسیون شهرهای نفتی تا حدی بود که در همان سال‌ها موجبات اعتراض عده اندکی از مردم را فراهم کرد. به‌طور نمونه

#### ۴.۲. تبلیغ و تقلید از شهرهای نفتی

تأثیر اقدامات شرکت بی‌پی نمی‌توانست محدود به خوزستان باقی بماند؛ چراکه به‌زودی شیوه مدرنیزاسیون شهرهای نفتی سرمشقی برای پایتخت و دیگر شهرهای ایران شد. حکومت پهلوی، که پیگیر مدرنیزاسیون سریع کشور بود، در بسیاری از مواقع در برنامه‌ریزی‌های خود برای خانه‌سازی و نوسازی شهرها از همان الگوهای موجود در آبادان و مسجدسلیمان استفاده می‌کرد. به‌طور نمونه طرح مجموعه چهارصد دستگاه در تهران تقلیدی آشکار از یک مجموعه مسکونی در آبادان بود.<sup>۴۰</sup> چنین تقلیدهایی عمدتاً ناشی از تبلیغات گسترده شهرهای نفتی بود. شیوه زندگی، معماری و ساخت‌وسازهای جدید،



۳۴. نک:

K. Ehsani, "The Social History of Labor in the Iranian Oil Industry: The Built Environment and the Making of the Industrial Working Class (1908-1941)".

۳۵. کاوه رستمپور، همان، ص ۹۳.  
۳۶. ایرج ولی‌زاده، انگلو و بنگلو در آبادان: خاطرات هفتاد ساله پسرک فرمانبر، ص ۲۰۵.

37. Ian J. Seccombe, *ibid*, p. 47.

38. *Ibid*, p. 53.

39. K. Ehsani, "Social Engineering and the Contradictions of Modernization in Khuzestan's Company Towns: A Look at Abadan and Masjed-Soleyman", pp. 387-388.

ت ۸. سه صحنه از فیلم روایت زندگی ایرانی ساخته شرکت بی‌پی، در این صحنه‌ها نقش‌های جدیدی برای زن ایرانی تعریف می‌شود. مأخذ فیلم: bpvideolibrary.com



بالایی در تحریک احساسات مخاطبان دارد و از این رو به راحتی می‌تواند سبب تغییر نگرش جامعه نسبت به یک موضوع، پدیده، یا سبک جدید شود.

فیلم‌هایی همچون: *صنعت نفت ایران*<sup>۵۳</sup> (۱۹۲۵)، *راه آهن سراری ایران*<sup>۵۴</sup> (۱۹۳۰)، *نفت از ایران*<sup>۵۵</sup> (۱۹۳۸)، *نفت از خوزستان*<sup>۵۶</sup> (۱۳۴۸)، *برج*<sup>۵۷</sup> (۱۹۵۳)، و حتی برنامه کودک‌هایی همچون *سرویس*<sup>۵۸</sup> (۱۹۵۴) همگی با ارائه تصاویری هیجان‌انگیز از مدرنیزاسیون سریع به نوعی زمینه‌ساز و مشوق تحول سبک زندگی و معماری بودند. با این حال، بیش از همه فیلم‌های پیش‌گفته و نظایر آن‌ها، تحولات شهرهای نفتی در فیلمی رنگی با عنوان *روایت زندگی ایرانی*<sup>۵۹</sup> مربوط به سال ۱۳۳۰ش پررنگ می‌شود. مدیر بخش روابط عمومی بی‌پی پیش‌بینی کرده بود که این فیلم می‌تواند بیشترین مخاطب را در سراسر ایران جذب کند و در نتیجه شرکت، به طور غیرمستقیم، با نمایش شیوه زندگی مدرن در آبادان و اقدامات خود در زمینه مسکن و خدمات بهداشتی و رفاهی با اقبال عمومی مثبت مواجه خواهد شد.<sup>۶۰</sup>

در این فیلم آبادان یک شهر ایرانی مدرن شده نمایش داده می‌شود، شهری که در آن معماری و شیوه زندگی مردم خیلی تفاوتی با شهرهای اروپایی ندارد. در یک سکانس، که کاملاً شبیه به فیلم‌های هالیوودی آن دوران است، دو زن ایرانی

در شماره‌ای از *روزنامه اطلاعات* مربوط به سال ۱۳۰۷ش چنین می‌خوانیم:

[...] در طهران فیلم‌های قشنگ جنوب را به شما نشان می‌دهند. البته این فیلم‌ها از عظمت عمارات و ساختمان‌های کمپانی و لوله‌های نفت حکایت می‌کنند و بالطبع شما و سایر رفقای جریده‌نگارتان از آن‌ها خوشتان می‌آید و شاید خیال هم می‌کنید که واقعاً این کمپانی به ایران خدمت کرده و وجودش برای مملکت نافع است...<sup>۵۰</sup>

بعد از جنگ جهانی دوم در لندن دفتر فیلم پترولیوم<sup>۵۱</sup> تأسیس و مؤظف شد تا توزیع مداوم فیلم‌های نفتی را به سینماها، کلپ‌ها، دانشکده‌ها، و مدارس پیگیری کند. میزان تماشاگران این فیلم‌ها رو به افزایش بود تا حدی که فقط در سال ۱۹۵۶ حدود ۷۸ هزار نفر این فیلم‌ها را کرایه کرده بودند.<sup>۵۲</sup> در فیلم‌های تولیدشده دو هدف عمده دنبال می‌شد: اول تبلیغ و ایجاد انگیزه کافی برای گرایش به مدرنیته با خوانشی بریتانیایی و کنار گذاشتن سنت‌ها و دوم، الزامی جلوه دادن رابطه نفت با مدرنیته و توجیه اینکه مدرنیزاسیون زندگی شهری و معماری تنها از طریق درآمدهای حاصل از استخراج نفت ممکن می‌شود، در واقع توجیه حضور خودشان در ایران. باید در نظر داشت که در همه جوامع فیلم‌سازی ابزار مهمی در جهت‌دهی به افکار عمومی است؛ چراکه اساساً فیلم پتانسیل

آبادان را ترجمه و منتشر کرد. در این مقاله با عنوان «آبادان یا شهر متخصصان: شهری که اتوبوس و پزشک و معلم و بالأخره انواع تفریحات در آن مجانی است و به‌طور کلی پول در آن رواج ندارد»، تصویری رویایی از آبادان گزارش می‌شود. نویسنده حتی در پوششی ملی‌گرایانه چاه‌های نفت را با آتشکده‌های زرتشتی مقیاسه می‌کند و می‌نویسد:

این شعله‌ها از سرزمین باستانی زرتشتیان، سرزمین آتشکده‌ها، حفاظت می‌کند. در واقع هرکسی در آبادان با شعله پالایشگاه که تضمین‌کننده تمام خدمات عمومی رایگان است، حمایت می‌شود.<sup>۶۵</sup>

همچنین، مجله تازه‌تأسیس آرشیوتکت در سه شماره از شش شماره خود به موضوع معماری و شهرسازی مدرن از



کالسکه به دست و با لباس‌هایی به سبک فرنگی در آبادان قدم می‌زنند. این فیلم با نشان دادن زن ایرانی در صحنه‌هایی که به‌راحتی پرستار مردان شده است، در نقش مادر با کودکانش در پارک می‌رقصد و برای تفریح به استخر مختلط می‌رود، نقش سنتی زنان ایرانی را به چالش می‌کشد و الگویی غربی از زن مدرن تعریف می‌کند (ت ۸). نزار الصیاد<sup>۶۱</sup> این مدل خاص از مدرنیته را مدلی از پیش طرح‌شده از سوی پادشاهی متحد بریتانیای کبیر در دوران امپراطوری بریتانیا برای مردم خود و آمریکا و همه مستعمرات همچون هند می‌داند.<sup>۶۲</sup>

## ۲.۴. روزنامه‌ها و مجلات

در کنار فیلم و سینما، حوزه مهم دیگری که تحولات مناطق نفت‌خیز را برای تهران و دیگر شهرهای ایران تبلیغ و تمجید می‌کرد، مطبوعات بود. بعد از شکوفایی فعالیت‌های مطبوعاتی در دوران مشروطه، در آستانه شروع حکومت پهلوی، مطبوعات تبدیل به فضایی عمده برای گسترش و توسعه نظام طبقاتی شده بود که در آن موضوعاتی چون بهداشت عمومی، آموزش و پرورش، یا موضوعات فمینیستی ممکن بود به بحث گذاشته و جدیدترین امکانات رفاهی برای گروهی، که خود را مصرف‌کننده می‌یافتند، تبلیغ شود.<sup>۶۳</sup> نشریه خلق، که در هر شماره دو صفحه خود را به دو تصویر مقایسه‌ای اختصاص می‌داد، در یک شماره مربوط به سال ۱۳۰۴ش به تفاوت سبک زندگی ایرانی‌ها با اروپایی‌های ساکن در آبادان اشاره کرده بود (ت ۹). در روزنامه پرتیراژ فکر جوان که در شمال ایران منتشر می‌شد، در مقاله‌ای با عنوان «نظری بجنوب»، در توصیف دوگانه سنت-مدرنیته که توسط آثار شرق‌شناسان ایجاد شده بود و اولی را بسیار بد و دومی را بسیار خوب جلوه می‌دهد، ابتدا از شهرهای مدرن‌شده خوزستان تعریف و سپس شیوه زندگی سنتی در دیگر مناطق جنوبی را به باد انتقاد می‌گیرد.<sup>۶۴</sup> مجله پرتعداد خواندنی‌ها در سال ۱۳۲۶ش یک گزارش فرانسوی از

40. R. Habibi, "The Institutionalization of Modern Middle Class Neighborhoods in 1940s Tehran – Case of Chaharsad Dastgah", p. 43.  
41. H. Nafisy, *A Social History of Iranian Cinema*, Vol. 1, p. 186.  
42. Shell

۴۳. نک:

- P. Russell & J.P. Taylor, *Shadows of Progress: Documentary Film in Post-War Britain*, pp. 88-92.  
44. *Anglo-Iranian Oil Company's Operations in Iran*  
45. Nafisy, *ibid*, p. 183.  
46. *Grass (A Nation's Battle for Life)*  
47. Merian C. Cooper  
۴۸. در این فیلم مهاجرت فصلی یک شاخه از اقوام بختیاری به‌صورت اغراق‌آمیز نشان داده شده و به کل منطقه خوزستان تعمیم داده است.

ت ۹. تبلیغ شیوه زندگی اروپایی‌ها در مناطق زرخیز خوزستان: بالا: یک خانواده ایرانی که زانوی غم بغل کرده است، پایین: یک خانواده پر نشاط اروپایی، مأخذ: نشریه خلق، ش ۲۹ (۲۰ آذر ۱۳۰۴).

۴۹. در شرق شناسی جوامع شرقی با عینک غربی بازمینی شده و به صورت منفعل و عاری از هرگونه هویت و جایگاه فرهنگی بیان می‌شوند. ادوارد سعید در مورد کارکرد شرق شناسی می‌گوید: «ذات شرق شناسی بر پایه تبعیض و تفکیک غرب از شرق است، تمایزی که آقای و سروری غرب بر شرق را ثابت می‌کند [...] و زمینه مساعدی را برای تجاوز غربیان به شرق فراهم می‌کند» (ادوارد سعید، شرق شناسی؛ شرقی که آفریده غرب است، ص ۱۳.

۵۰. روزنامه اطلاعات، سال سوم، ش ۵۹۵، سه‌شنبه دهم مهرماه ۱۳۰۷، ص ۳. 51. PFB

52. M. Damluji, "The Oil City in Focus: The Cinematic Spaces of Abadan in the Anglo-Iranian Oil Company's Persian Story", p. 81.

ت ۱۰. بازتاب الگوی معماری و شهرسازی شهرهای نفتی، مأخذ: مجله آرشیکت، ش ۴ (تیر ۱۳۲۶).



۲۱۲ - مجموعه منازل کارمندان باخیابان بندی‌ها و باغات عمومی در آبادان

تداوم مدل خانواده گسترده وجود ندارد و حتی جای کافی برای تداوم تولید در خانواده نیز مهیا نیست. مدرنیزاسیون شهری تنها به مسکن محدود نمی‌شد. این اقدامات شامل سرمایه‌گذاری در یک برنامه جامع برای آموزش و پرورش، توسعه بهداشت عمومی و خدمات پزشکی، ایجاد امکانات تفریحی-رفاهی و اوقات فراغت، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل مدرن، و حتی ایجاد هایپرمارکت‌های بزرگ به شیوه جوامع مصرف‌گرا بود.

- **پرده سوم** (تقلید و تبلیغ تحولات شهرهای نفتی): با دو ابزار رسانه‌ای یعنی فیلم و مطبوعات تحولات شهرهایی همچون آبادان و مسجدسلیمان در پایتخت و دیگر شهرهای ایران تبلیغ و تمجید می‌شود. شهرهای نفتی به‌مدد بهره‌مندی از امکانات تفریحی گسترده و خانه‌های مدرنی که به تأسیسات برق، گاز، آب لوله‌کشی، و فاضلاب مجهز بودند، همچون نگینی میان شهرهای ایران معرفی می‌شدند.<sup>۶۸</sup> آبادان همچون باغشهری سرسبز و بهشت‌گونه، نوعی اعتقاد را در بین ایرانی‌ها ایجاد کرد که پیشرفت و مدرن شدن شهرهایشان را در مقایسه با آبادان اندازه‌گیری کنند. همچنین دولت، در بسیاری از مواقع، در اجرای اقدامات عمرانی خود در پایتخت و دیگر شهرها از طرح‌های ساخته‌شده در شهرهای نفتی تقلید کرد.

شهرهای نفتی پرداخت. در شماره چهار این مجله در مقاله‌ای با عنوان «آبادان، از نظر ساختمان و شهرسازی»، به همراه ۱۲ تصویر و پلان از آبادان، به توصیف ویژگی‌های معماری مدرن این شهر می‌پردازد (ت ۱۰).<sup>۶۶</sup> در شماره پنج، در مقاله‌ای با عنوان «کارهای ساختمانی شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان» با ارائه شش تصویر از ساختمان‌های عمومی آبادان و مسجدسلیمان، توضیح می‌دهد که «هرگونه خدمات تفریحی و رفاهی در این شهر پیدا می‌شود».<sup>۶۷</sup>

## ۵. نتیجه‌گیری

اکتشاف نفت در اواخر دوره قاجار و به دنبال آن قدرت یافتن کمپانی بی‌پی در ایران زمینه‌ساز تحولات گسترده‌ای در سبک زندگی و معماری ایران می‌شود. در این تحقیق روشن می‌شود که زمینه‌سازی برای دگرگونی معماری و سبک زندگی در سه پرده اتفاق می‌افتد.

- **پرده اول** (ایجاد تمنا تغییر): بی‌پی در خوزستان بدون توجه به فرهنگ، معماری، و بافت محلی اقدام به بازطراحی و ترویج نظام طبقاتی شهرهای معماری می‌کند، نظامی طبقاتی که در آن تضاد شدیدی میان زندگی کارمندان رده بالا (که اروپایی بودند) با کارگران محلی دیده می‌شد. در این نظام ایرانی‌ها با بدترین شرایط در موقعیت پست جامعه قرار می‌گیرند. در نتیجه تمنا زیادی برای شبیه به طبقات بالای جامعه (مناطق اروپایی‌نشین) شدن ایجاد می‌شود؛ چراکه انسان به‌طور فطری میل به کمال، آسایش، و راحتی دارد.

- **پرده دوم** (مدرنیزاسیون با مدل بریتانیایی): مدنیزاسیون گسترده در شهرهای نفتی و به‌طور ویژه در آبادان آغاز می‌شود. در این مرحله ساخت مسکن برای کارگران ایرانی شرکت شروع و به این ترتیب اولین مجموعه‌های مسکونی با الگوی اروپایی به کارگران ایرانی عرضه می‌شود. در الگوی جدید مسکن خانواده به‌ناچار باید مدرنیزه شود؛ چراکه امکان

## منابع و مآخذ

اسناد موزه ملی نفت

- بیات، کاوه و مجید تفرشی. *خاطرات دوران سپری‌شده (خاطرات و اسناد یوسف اختاری)*، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۰.
- بیات، کاوه. «در کنار یا بر کنار از کارگران ایران»، در *نشریه گفتگو*، ش ۴۴ (آذر ۱۳۸۴)، ص ۶۹-۸۵.
- جعفری قنوتی، محمد. «نفت و بازتاب آن در داستان‌نویسان خوزستانی»، در *فصلنامه مطالعات ملی*، ش ۱۹ (پاییز ۱۳۸۳)، ص ۱۲۷-۱۵۰.
- رستم‌پور، کاوه. تبیین نقش تعامل مسکن و ویژگی‌های منطقه‌ای در هویت‌بخشی معماری مسکونی؛ نمونه موردی: مناطق نفت‌خیز، پایان‌نامه دکتری، تهران: پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ۱۳۹۵.
- زیمل، گئورگ. گئورگ زیمل (گزیده مقالات با مقدمه زیگفرید کراکاور)، ترجمه شاپور بهیمان، تهران: انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵.
- سعید، ادوارد. *شرق‌شناسی؛ شرقی که آفریده غرب است*، ترجمه اصغر Habibi, Rana, "The Institutionalization of Modern Middle Class Neighborhoods in 1940s Tehran – Case of Chaharsad Dastgah", in *Cities*, No. 60 (2017), pp. 37-49.
- Home, R.K. "Town Planning and Garden Cities in the British Colonial Empire 1910-1940", in *Planning Perspectives*, Vol. 5, No 1 (1990), pp. 23-37.
- Howard, Ebenezer. *Garden Cities of To-Morrow*, Moscow: Dodo Press, 2009.
- King, Anthony D. *Colonial Urban Development: Culture, Social Power and Environment*, London: Routledge, 2007.
- \_\_\_\_\_. *Urbanism, Colonialism, and the World-economy: Cultural and Spatial Foundations of the World Urban System*, Routledge, 2016.
- Nafisy, Hamid, *A Social History of Iranian Cinema, Vol. 1*, Durham: Duke University Press, 2011.
- Russell, Patrick & James Piers Taylor. *Shadows of Progress: Documentary Film in Post-War Britain*, London: BFI Publisher, 2010.
- Schayegh, Cyrus. *Who Is Knowledgeable, Is Strong: Science, Class, and the Formation of Modern Iranian Society, 1900-1950*, Berkeley: University of California Press, 2009.
- Secombe, Ian J. *Work Camps and Company Towns: Settlement Patterns and the Gulf Oil Industry*, Durham: University of Durham, Centre for Middle Eastern and Islamic Studies, 1987.
- Wright, Gwendolyn. *The Politics of Design in French Colonial Urbanism*, Chicago: University of Chicago Press, 1991.
- bpvideolibrary.com
- عسگری و حامد فولادوند، تهران: انتشارات عطایی، ۱۳۶۱.
- فاتح، مصطفی. *۵۰ سال نفت ایران*، تهران: انتشارات شرکت سهامی چهر، ۱۳۳۵.
- لاواین دورتینگ، پولین، «شهرک‌های شرکت نفت ایران و انگلیس در خوزستان، مطالعه‌ای درباره تاریخ شهرک‌نشین ۱۹۰۸-۱۹۵۱»، ترجمه بشیر یاقمولی، در *نشریه تاریخ روابط خارجی*، ش ۱۵ (تابستان ۱۳۸۲)، ص ۱۹۹-۲۰۶.
- لسانی، ابوالفضل. *طلای سیاه یا بلای ایران*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- مارکس، کارل. *سرمایه، ج اول*، ترجمه ایرج اسکندری، تهران: فردوس، ۱۳۸۶.
- ولی‌زاده، ایرج، *انگلو و بنگلو در آبادان: خاطرات هفتادساله پسرک فرمانبر، تهران: انتشارات سیمیا هنر*، ۱۳۹۱.
- همه نشریات استفاده‌شده در این مقاله در تارنمای کتابخانه ملی در دسترس هستند.
- Alissa, Reem. "Building for Oil: Corporate Colonialism, Nationalism and Urban Modernity in Ahmadi, 1946-1992", in *Doctor of Philosophy Dissertation*, Berkeley: University of California, 2012.
- Alsayyad, Nezar. *Forms of Dominance: On the Architecture and Urbanism of the Colonial Enterprise*, Hants: Avebury Publisher, 1992.
- Atabaki, Touraj, et al (eds). *Working for Oil*, London: Palgrave Macmillan, 2018.
- Crinson, Mark. "Abadan: Planning and Architecture under the Anglo-Iranian Oil Company", in *Planning Perspectives*, Vol. 12, No. 3 (1997), pp. 341-359.
- Damluji, Mona. "The Oil City in Focus: The Cinematic Spaces of Abadan in the Anglo-Iranian Oil Company's Persian Story", in *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, Vol. 33, No. 1 (2013), pp. 75-88.
- Ehlers, Eckart & Willem Floor. "Urban Change in Iran, 1920-1941", in *Iranian Studies*, Vol. 26, No. 3 (1993), pp. 251-275.
- Ehsani, Kaveh. "Social Engineering and the Contradictions of Modernization in Khuzestan's Company Towns: A Look at Abadan and Masjed-Soleyman", in *International Review of Social History*, 48 (2003), pp. 361-399.
- \_\_\_\_\_. "The Social History of Labor in the Iranian Oil Industry: The Built Environment and the Making of the Industrial Working Class (1908-1941)", in *Doctor of Philosophy Dissertation*, Leiden: Leiden University, 2014.
- Ferrier, Ronald W. *The History of British Petroleum Company, Vol. 1, The Developing Years 1901-1932*, Cambridge: Cambridge University Press, 1982.

53. *The Persian Oil Industry*
54. *Trans-Persian Railway*
55. *Oil from Iran*
56. *Oil from Khuzistan*
57. *The Tower*
58. *Service*
59. *Persian Story*
60. Damluji, Ibid, p. 82.
۶۱. نزارالصیاد، معمار، طراح شهری، و استاد دانشگاه کالیفرنیا، متولد ۱۹۵۶ میلادی، شهروند امریکا و اصالتا مصری است. ۶۲ در این زمینه نک:
- N. Alsayyad, *Forms of Dominance: On the Architecture and Urbanism of the Colonial Enterprise*.
63. C. Schayegh, *Who Is Knowledgeable, Is Strong: Science, Class, and the Formation of Modern Iranian Society, 1900-1950*, pp. 18-21.
۶۴. روزنامه فکر جوان، چهارشنبه، ۹ اردیبهشت ۱۳۳۶، ص ۱ و ۴.
۶۵. مجله خوانندگی‌ها، شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۶، ص ۵-۶.
۶۶. مجله آرشیوتیکت، ش ۴ (تبر ۱۳۳۶)، ص ۱۴۱-۱۴۵.
۶۷. مجله آرشیوتیکت، ش ۵ (بهمن ۱۳۳۶)، ص ۱۸۷-۱۸۸.
۶۸. علی‌رغم توسعه سریع زیرساخت‌ها در دوران رضاشاه، تا پایان سال ۱۳۳۰، به‌جز آبادان، مسجدسلیمان، و چند شهر نفتی دیگر، همچنان هیچ شهری در ایران آب لوله‌کشی مناسب نداشت
- E. Ehlers & W. Floor, "Urban) Change in Iran, 1920-1941", p. 261.